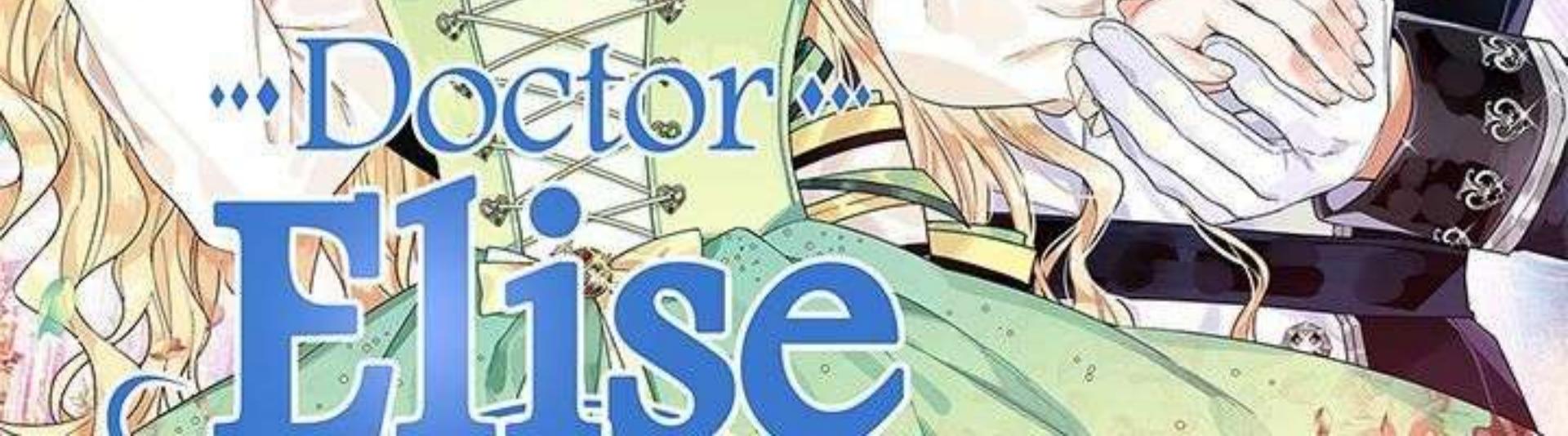


این درسته،



به...

یک جنگ ویرانگر در
حال وقوعه.



•The Royal Lady with the Lamp•

@mirankau

Episode

42

mehrnaz:مژده

sara:اریت

chana*:طایپ

miranka کاری از نیم

وام گیرنده ها قراره حسابی فوشمال
بسن مردم مجبور میشن از اینها و
اونها پول قرض بگیرن.

اون همون چیزی نیست که اونا
دوسن دارن بلکن ؟ قرض دادن
پول در طول جنگ و پرسیدن
برای سود .

هاوس پایل د تعداد زیادی بازک
باری با اسم های متفاوت
داره...

... همچنین از طرف امپراطوری
بریتانیا و حتی کشورهای غربی
هستند



از اونها ی اونا این همه توانایی
مالی دارن ، حتی امپراطور هم
نمیتوانه کار زیادی علیهشون
انجام بده



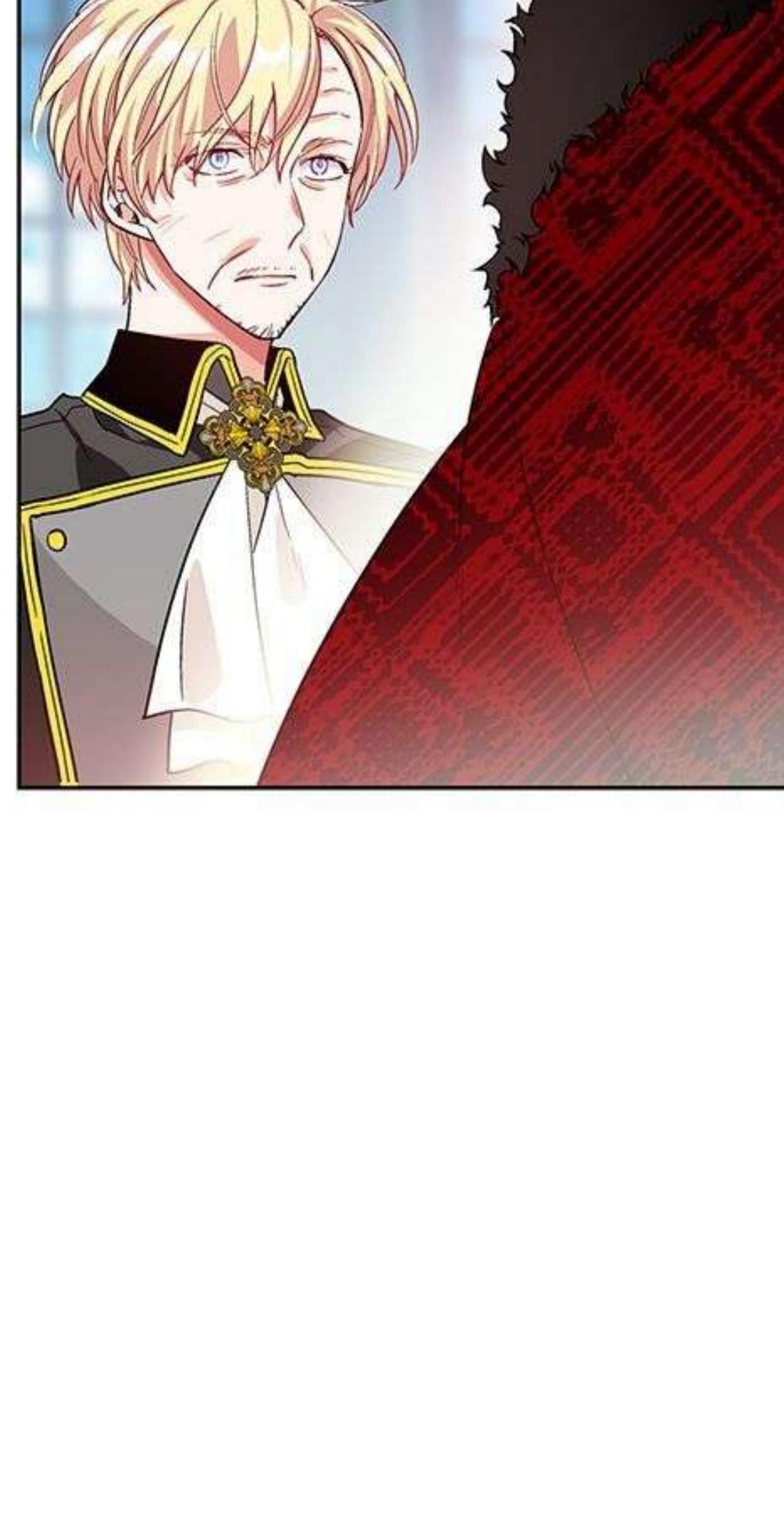
اگر ما همه ی لشکریان در دسترس
را از سرزمین رومانف شمالی صدرا
بزنیم ، میتوانیم نزدیک به ۱۵۰ هزار
سرباز فراهم کنیم

این زمان بیشتری میبره تا تمام
سربازان مستقر در اقلیم های
دیگر را فرا بفوانیم



پس ما ۱۵۰ هزار سرباز تازه کار
از جزیره ی بریتانیا نیاز داریم

قانواده های اشراف زاده هر اقل
باید ۲ نفر از اعضاشون و
بفرستن تا به جنگ ملحق شن.
مشکلی نداره، ال؟



لازمه بپرسید؟

بزرگترین افتخار برای یک
اسراف زاده اینه که برای
کشورش بجنگه.



معذرت میفوام، و
ممnon باقاطه هر خفت

هر ده روز کلارنس برگشت

لیندن، باید خیلی مراقب باشی. حتی
با وجود قدرت هات، بازم نمیتوانی
از گلوه تفنگ مفتش شی



به، میفهمم...



...



لشکر برای رومانف میجنگه ، و خانواده

سلطنتی رومانف برای مادر بریتیا!

این قانون امپراطوری
بریتیا هست

ولی هدوقت که به ۲ سال پیش
جنگ آنجلی در سرزمین های
تاریک خلد میکنم قلبم میشکنه

۲ سال پیش،

Sharing/Rips
Miss Mystery

@mirankau

سه شاهزاده به جنگ پیوستن تا
وظایف خود را به عنوان یکی از
خاندان سلطنتی انعام بدن

شاهزاده اول توسط یک گلوله توب از
طرف جمهوری مورد هدف قرار
گرفت، و بدنش قابل به بیوی دی نبود

امپراطور مخفیانه سوگواری کرد

این دوین و بدترین تراژدی بعد از
تراژدی غم انگلیزی که ۱۵ سال پیش برای
خانواده سلطنتی اتفاق افتاده ، بود. نمیتوانم
دیگه شاهد مرگ هم خونم باشم...



اگر میتوانستم به عقب سفر
برگرد، میتوانستم همه پی و به
حالت اول برگرد و نم؟



او روز حتما باید خیلی
لیندن و ترسونده
باشه...

پسر بر جستم بعد از اتفاق
غم انگیز او روز تمام
احساساتش و از دست

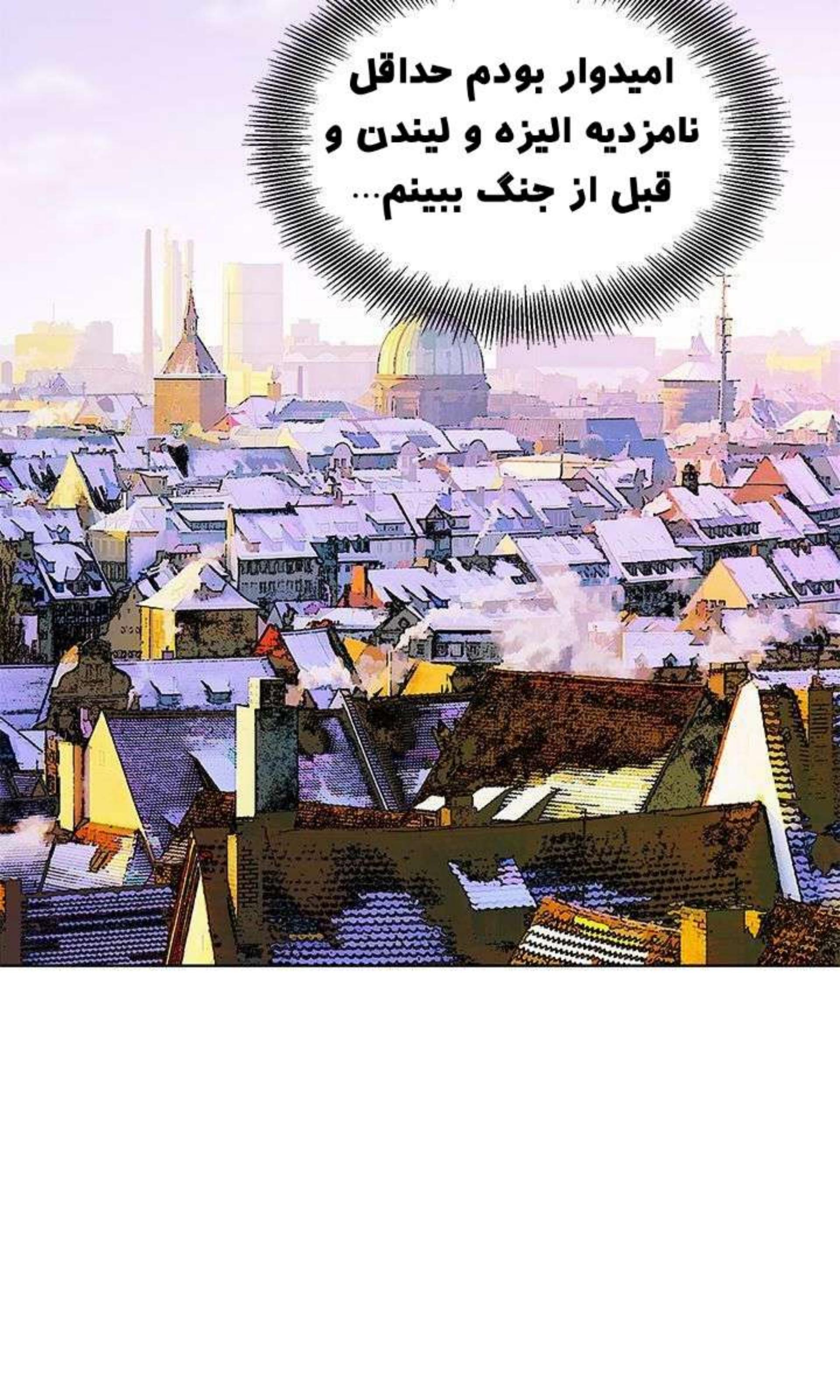


STEP



هوا بنظر فوب میار ...

امیدوار بودم حداقل
نامزدیه الیزه و لیندن و
قبل از جنگ ببینم...



یه مرگ دیگه



این غم انگیزه ۴۰ نفر باقاطر
اسوال در طول ۲ روز
گذشته مردن

دلیش این نیست که
باقاطر سن زیاد شون
ضعیفند

ممکنه



اونا از اول وضع
خوبی نداشتند



ولی یکم احساس پریشانی
بفاطر این میکنم



نظر شما چیه؟



مادرم الیزه



دکتر، میتوانید با من راهت
هرف بزنید، مثل موقعی که
قبل از فتار میگردید



مشکلی نیست



دکتر، میتوانید با من راهت
هرف بزنید، مثل موقعی که
قبل از فتار میگردید

درواقع، این شما هستید که
باید با من راهت هرف
بنزند، مادرام

ولی...

اون فیلی، سمیه. این هتی
از، فتار های ساده گذشته

بخاطر مخفی کردن هویتم احساس
سرخورده بودن میکنه؟ ولی این
قصیر من بود، برای همین واقعا
نمیتونم چیزی بگم

یه روز منو میبخشه؟

چیزی هست که
توجهتون رو جلب کرده،
ما را؟



بیمار به طور وظیع
*دیهایدریه بود.

آب بدنش و از دست داده بود

دیهایدریشن طبیعیه از
اونجایی که علت مرگ
اسوآل هست...

ولی این از علتهای بالینی
بدتره، با اینکه اثری از مسمومیت
فونی نیست. و...

هر ۱۴ بیمار، علائم
یکسان داشتن

انگار، اوتا همچون از یه
نوع بیماری رنج میبردن



منظورتون اینه....

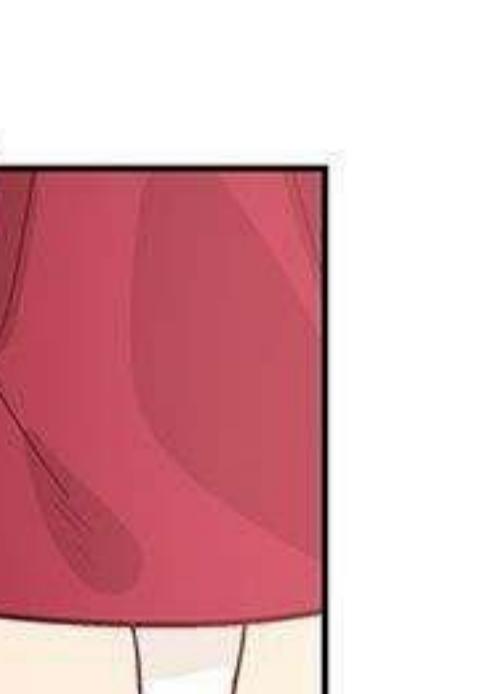
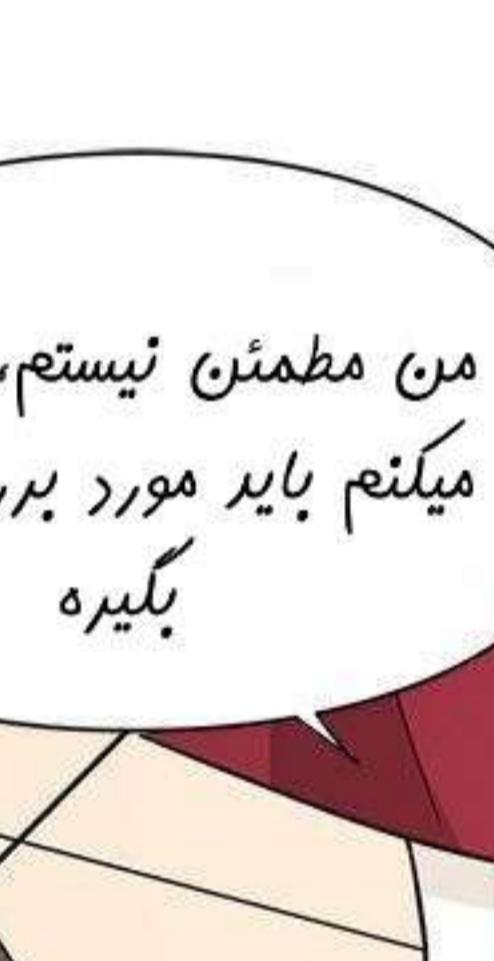


این ممکنه علائم او لیه
یه بیماری و آگیدار
باشه؟

و آگیدار؟!

زمزمه

هتی در شهری به
بزرگی لوندو؟!



من مطمئن نیستم، ولی خود
میکنم باید مورد بررسی قرار
گیره

چطور میتوانیم اینو
ثبت کنیم؟

باید با بیمارستان های رزدیل، کراس
سلطنتی، یورک و کرویدن تماس بگیریم.
بعلاوه هی همه بیمارستان های لوندو با
امکانات کافی شایسته

اگر موارد مشابه دیگه ای هم
هست باید متوجه شیم

همچنین باید چک کنیم بینیم
کسانی که در نزدیکی مرده ها
بودن هم علائم مشابه و نشون
میدن یا نه.





فقط باقاطر اینکه اسوال ربطی به علائم شیوع شده در گذشته داره به این معنی نیست که دوباره

اتفاق بیفته

ولی اگر این همون بیماریه، پس باید جلوی گسترشش و بگیرم



آسون نخواهد بود، ولی من
دانش پزشکی مدرن رو
دارم

و اگر بتونم اینو درمان

کنم، شرطمن و با امپراتور

میبرم



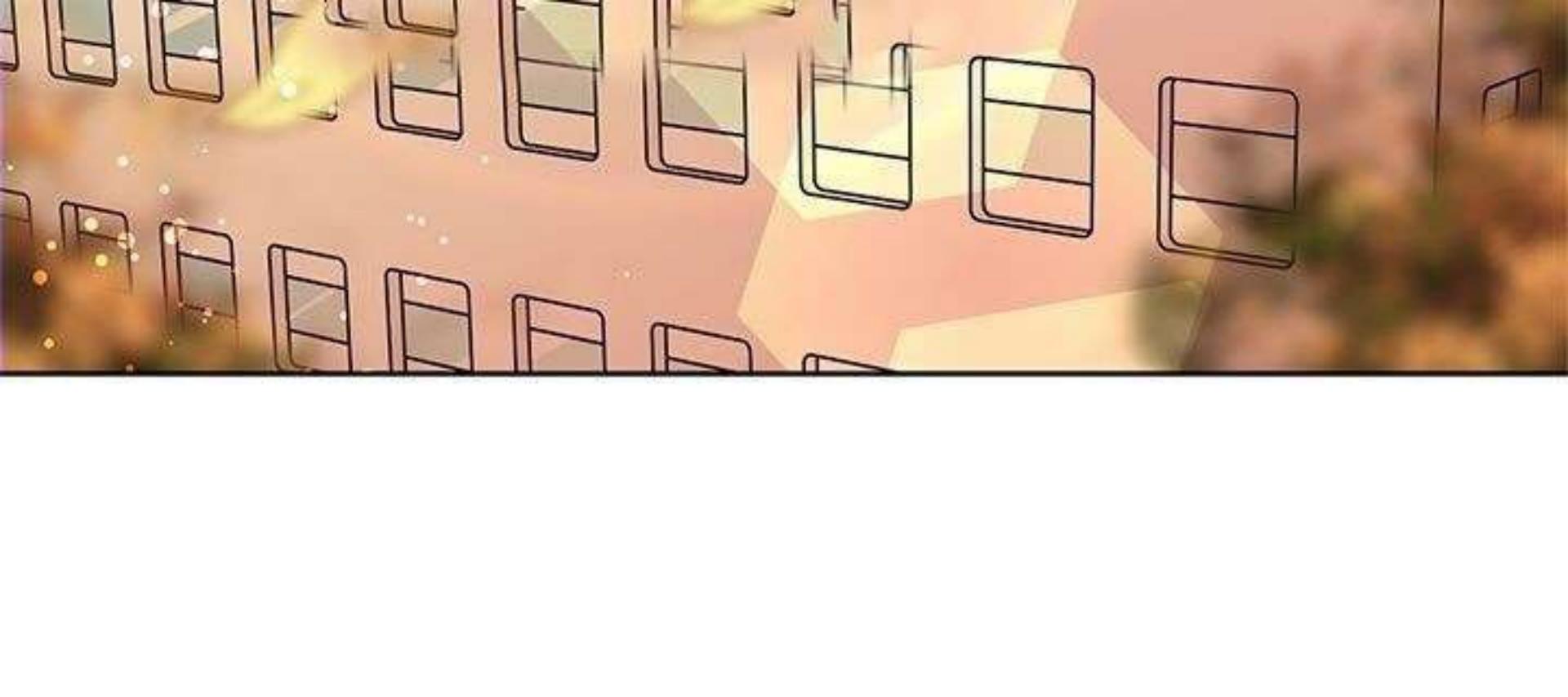
البته، بهترین سناریو موجود

اینه که بیماری واگیردار در

مرحله اول شیوع پیدا نمیکنه-

ولی اگر این همونه،
مطمئن میشم که
متوقف بشه





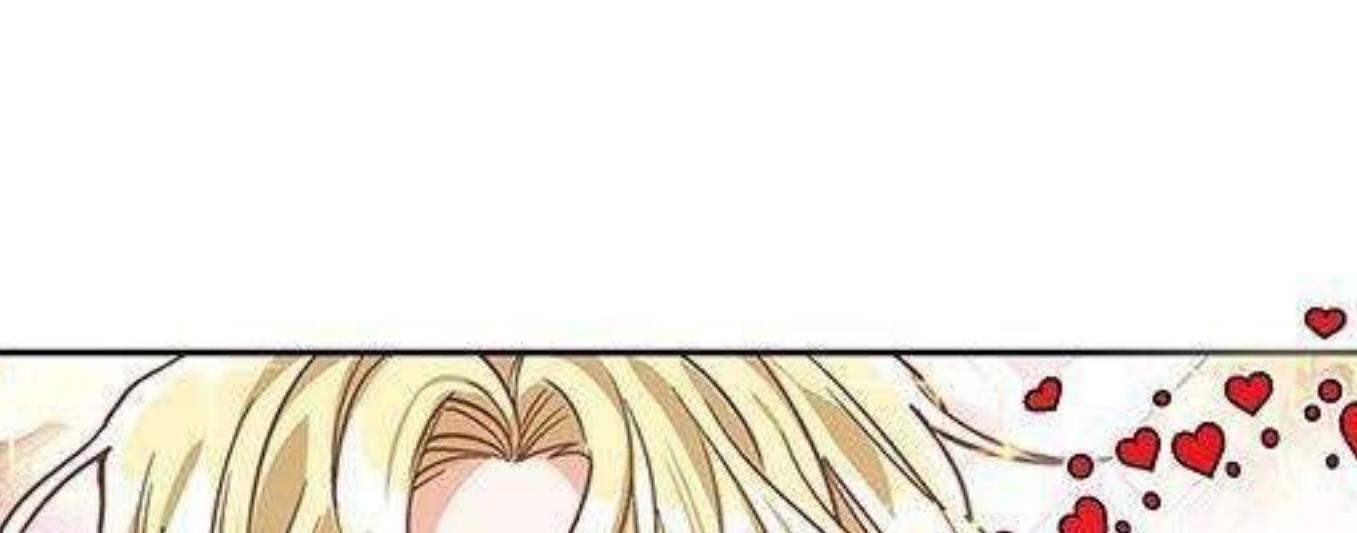
کارت برای امروز تموم
شد؟ طولش دادی



آ، آقای رن؟

منتظر من بودید؟





ممکنه؟!

انقدر فکر الکی نکن،
الیزه. آقای دن از من
خوشش نمیاد!

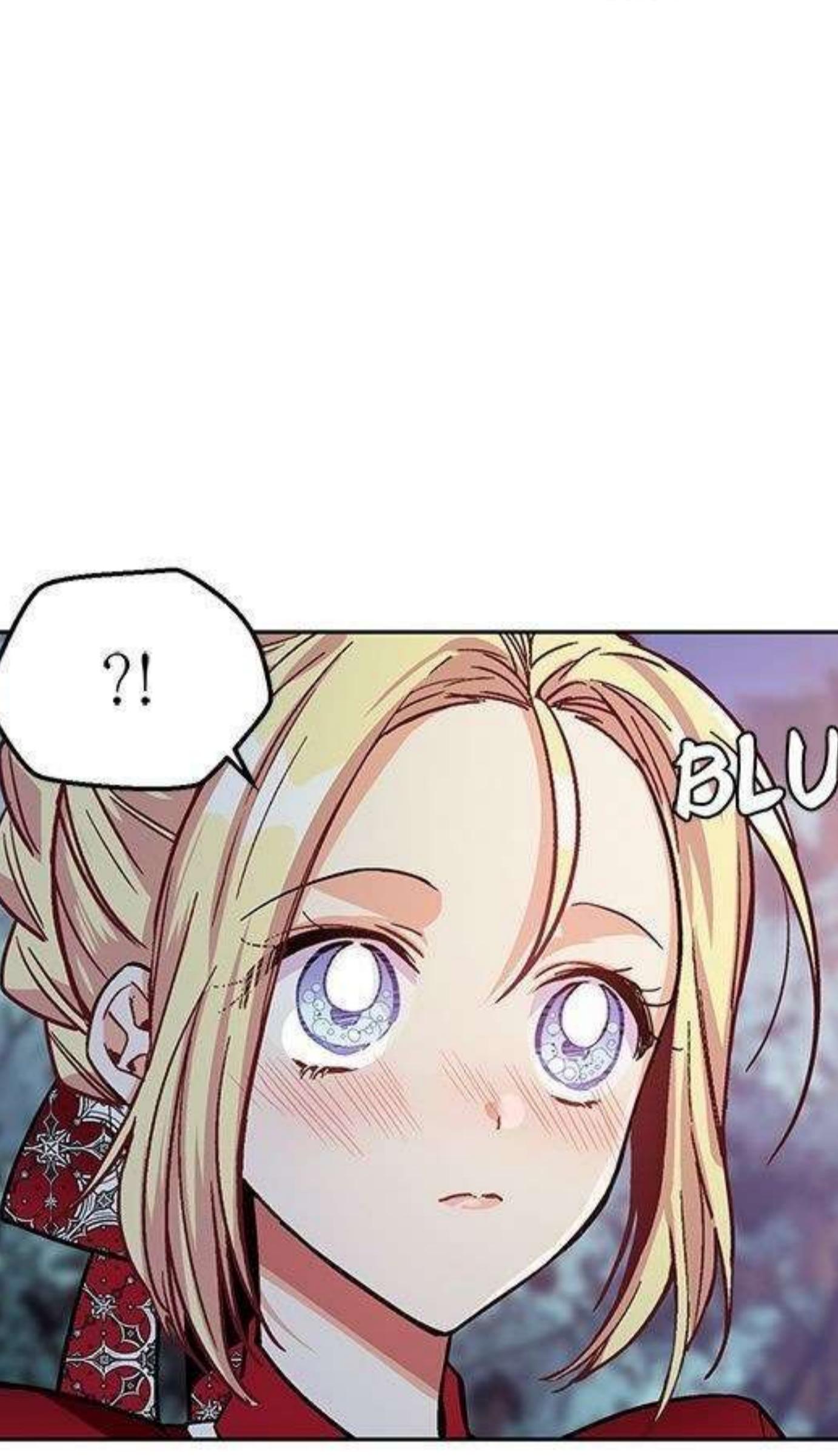
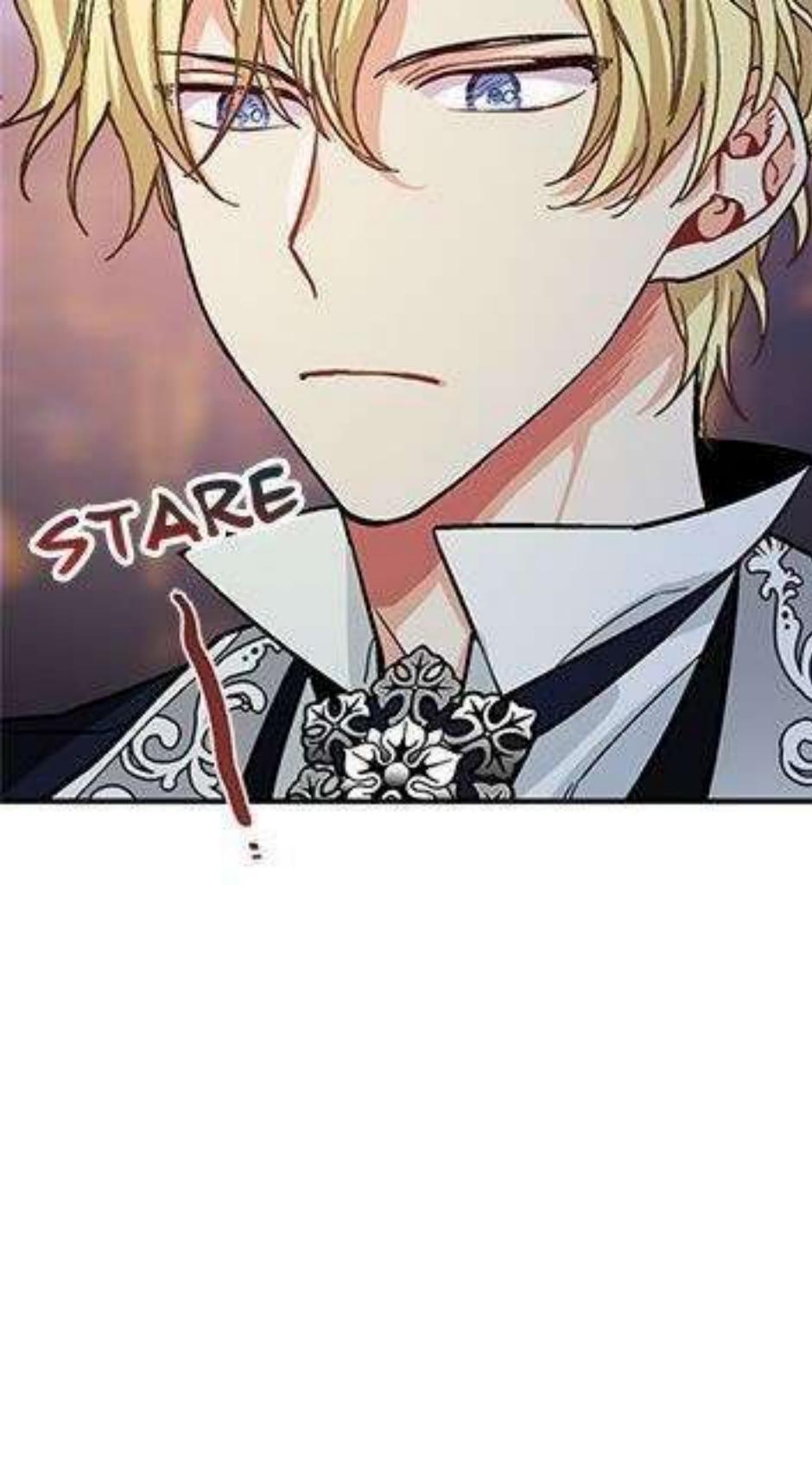


بیا یکم قدم بزنیم



اممم... درباره چی
می فوایستید با هام صحبت
کنید...؟







M

MURASAKI